

۱۰۱ شعر ماندگار

گزیده اشعار غنایی فارسی از آغاز تا امروز

گردآوری
هوشنگ رهنما



انتشارات هرمس

از سارات هرمس

تهران خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، بعد از برج نگار

شماره ۲۲، ۳ - تان: ۸۸۷۹۵۶۷۴

۱۰ شعر ماندگار

گزیده اشعار غنایی فارسی از آغاز تا امروز

گردآورنده: هوشنگ رهنما

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ پنجم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

رهنما، هوشنگ، ۱۳۲۳ - گردآورنده

۱۰۱ شعر [صدویک شعر] ماندگار: گزیده اشعار غنایی فارسی از آغاز

تا امروز / گردآوری هوشنگ رهنما. - تهران: هرمس، ۱۳۹۶.

هفت + ۱۴۱ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

چاپ پنجم.

الف. گزیده اشعار غنایی از آغاز تا امروز. ب. شعر فارسی - مجموعه ها.

۸۶۱/۰۰۸

PIR ۴۰۳۲/۹ ص ۴

م ۸۵-۲۰۵۷۱

۱۳۹۳

ISBN 978-964-363-378-3

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۳-۳۷۸-۳

فهرست

۱	شگفتار
۹	رابعه اردازی
۱۰	رودکی سمرقندی
۱۲	سیدحسین عزنوی
۱۳	خاقانی
۱۴	جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی
۱۵	فریدالدین عطار
۱۷	مجدالدین سنائی
۱۹	فخرالدین عراقی
۲۱	مصلح‌الدین سعدی
۲۳	جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)
۲۷	امیر خسرو دهلوی
۲۸	اوحدی مراغه‌ای
۳۰	خواجوی کرمانی
۳۱	سلیمان ساوجی
۳	شمس‌الدین حافظ
۳۴	کمال خجندی
۳۵	عبدالرحمن جامی
۳۶	وحشی بافقی
۳۹	عرفی شیرازی
۴۰	هلالی جغتایی
۴۱	شیخ بهایی

- ۴۲ صائب تبریزی
- ۴۳ کلیم کاشانی
- ۴۵ طالب آملی
- ۴۶ بیدل دهلوی
- ۴۷ هاتف اصفهانی
- ۴۸ صای اصفهانی
- ۴۹ رین لاهیجی
- ۵۰ طباطبائی اصفهانی
- ۵۱ توحید شیرازی
- ۵۲ یغمای جرقی
- ۵۴ علی اکبر شید
- ۵۵ نشاط اصفهانی
- ۵۷ مظهر
- ۵۸ فروغی بسطامی
- ۶۰ طاهره قزوینی
- ۶۱ فصیح الزمان رضوانی
- ۶۳ محمدتقی بهار
- ۶۵ فرخی یزدی
- ۶۶ رهی معیری
- ۶۸ عماد خراسانی
- ۶۹ امیری فیروزکوهی
- ۷۰ ایرج دهقان
- ۷۱ علی اشتری - فرهاد
- ۷۲ عبرت نائینی
- ۷۳ پروین اعتصامی
- ۷۴ حسین پژمان بختیاری
- ۷۵ رعدی آذرخشی
- ۷۶ محمود ثنائی - شهر آشوب
- ۷۷ محمدحسین شهریار

۷۸	ابراهیم باستانی پاریزی
۷۹	پروین دولت آبادی
۸۰	مهدی حمیدی
۸۱	سیمین بهبانی
۸۳	هوشنگ ابتهاج - سایه
۸۵	گلچین گیلانی
۸۸	نیم یوشیج
۹۰	فریدون توللی
۹۴	نادر نادرپور
۹۸	سیاوش کسری
۱۰۰	فروغ فرخزاد
۱۰۶	احمد شاملو - ا.ب.ام
۱۱۱	مهدی اخوان ثالث - ا.ب.ام
۱۱۵	سهراب سپهری
۱۱۸	فریدون مشیری
۱۲۲	محمد رضا شفیعی کدکنی - م. سرشک
۱۲۵	محمد زهری
۱۲۷	مهستی بحرینی
۱۲۹	میمنت میرصادقی - آزاده
۱۳۰	ضیاء موحد
۱۳۲	اسماعیل خوئی
۱۳۷	محمود مشرف - م. آزاد
۱۳۹	تورج رهنما
۱۴۱	قیصر امین پور

پیشگفتار

این مجموعه گزیده صدویک شعر غنایی ماندگار از گنجینه هزارساله شعر فارسی است. گزینش چنین کم‌شمار از گنجینه‌ای چنان غنی و پرشمار در نظر اول نه‌تنها دشوار بلکه حتی بیش‌وکم ناممکن می‌نماید. اما اگر معیار ماندگاری شعر، به سخن شاعری گزینی، این است که «در حافظه خوانندگان جدی شعر ... رسوب کند»، گردآوری مجموعه‌ای از این دست نیز چندان سخت نمی‌تواند بود. مروری در حافظه‌های افراد جمعی - تاریخی جامعه ایرانی کافی است که نشان دهد این آثار از سده چهارم تاکنون، یعنی سده چهاردهم، همواره در حافظه درونی - ذهنی (ارتاثت) نسلهای پیاپی خوانندگان جدی رسوب کرده و به تبع آن در حافظه بیرونی (نوشتاری) جامعه یعنی جنگها و دیوانها نیز ثبت و نگهداری شده و به زمان رسیده است. در این میان، فرآیند تحول ذوق فردی نیز در بسترة زمان - برای این ذوق جمعی در حوزه شعر غنایی دست یافته است. از این رو، ذوق فردی - تاریخی - به گواهی تاریخ شعر غنایی - در گزینش آنها دخالت ویژه‌ای داشته است. به سخن دیگر، در انتظام مجموعه بی‌شائبگی شخصی اصل سازمان‌دهنده بوده است. از سوی دیگر، صدویک شعر مجموعه حاضر به ترتیب تقریبی تاریخی تنظیم شده‌اند تا نموداری از سیر تطور زبان و درونمایه‌های تراز شعر غنایی نیز ارائه شده باشد.

گردآوری گزیده شعر گذشتگان - و معاصران - نه ویژه فرهنگ بومی ماست و نه ویژه روزگار ما. نمونه‌های غربی آن را در مجموعه‌هایی با عنوان

« هزارویک شعر نوع بشر: شعرهای کوتاه ماندگار از ادبیات برجسته جهانی » یا « صدویک شعر به یاد ماندنی » و جز آن می توان یافت: گونه های بومی آن نیز از سده های پیش به صورت جُنگهای شعر گاه از آسیب تباهی و نابودی به سلامت جسته و به دست ما رسیده است. در دهه های اخیر نیز گزیده هایی منتشر شده مانند دریای گوهر، جلد سوم (مهدی حمیدی) و سفینه غزل (انجوی راززی)، اما بیشتر این گزیده ها از دخالت شائبه ذوق آسیب دیده است.



هدف گردآوری مجموعه حاضر این است که گزیده ای از شعرهای غنایی فارسی از آغاز سده - هارم هجری (تا امروز را در دسترس خوانندگان این نوع هنر کلامی قرار دهد. بدین است که اصطلاح "عاشقانه" نیز به جای اصطلاح "غنایی" (= لیریک) شعر کوتاه که لحظه های گذرایی از حیات عاشقانه را باز نمود می کند ر به تریف و طیف ارسطو به همراه جنگ نوازی به آواز خوانده می شود) در شناسایی آن ژانر یا نوع ادبی که گونه های برجسته آن در مجموعه حاضر فراهم آمده است به کار می رود. البته این برابر گذاری نادرست نیست، اما با توجه به این که در همه انواع هنر کلامی خصوصاً و در شاخه های دیگر هنر (موسیقی، نقاشی، پیکرتراشی و جز آن) عموماً حیات عاشقانه (کشش حسی به زیبایی) نه تنها انگیزنده و سازنده دارد بلکه خود از عناصر بنیادی عینیت یافتن تک تک اثر هنری است، اختصاص و انحصار آن به شعر غنایی گونه ای بی انصافی نسبت به انواع دیگر هنر خواهد بود.

نهاد هنر یکی از نهادهای بنیادی سازمان دهنده هر جامعه زنده و پویای انسانی است و نقش آن پردازش داده های اطلاعاتی مربوط به حس و حساسیت و نمودهای عاطفی اجتماعی (و به تبع آن حس و حساسیت و نمودهای عاطفی فرد اجتماعی) ناشی از تجربه رویدادهای درونی و بیرونی جامعه و انتقال اطلاعات پردازش یافته به عرصه عمومی آن است. در هر

جامعه‌ای به نسبت شرایط زمانی و مکانی و سیر تطور آن یکی از شاخه‌های هنر یا در هر شاخه‌ای، یکی از ژانرها یا انواع آن نقش محوری و کارکرد غالب و برتر به خود می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی، به دلایلی که بازگویی آن در این مجال میسر نیست، هنر کلامی یا ادبیات و بویژه شعر غنایی (که تا چند دهه پیش غزل غایب‌برتر آن بود) به طور سنتی - تاریخی از این ویژگی برخوردار بوده است. نیاز فرهنگی - اجتماعی به این شاخه هنری در جامعه ایرانی بدان نقش محوری بخشیده و در نتیجه انگیزه و عامل رشد و گسترش و الایس آن شده است و زبان فارسی نیز در مقام دستگاه انتقال اطلاعاتی آن به درجه ج‌محوری و بلاغت زبانی و توان ادبی بیان مفاهیم حسی و عاطفی دست یافته است.

امروزه به علل نظر به جامعه ایرانی و دگرگونی شرایط اجتماعی، آن نیاز فرهنگی جای خود را به نیازهای فرهنگی در قلمرو هنرهای دیگر و ژانرهای هنری دیگر داده است. فهو این توصیف از جامعه ایرانی آن نیست که میزان حس و حساسیت یا کنش‌های عاطفی فردی و اجتماعی کاهش یافته، یا به این نوع رسانه هنری برای انتقال اطلاعات آن نیازی غانده است، بلکه می‌توان گفت که از سویی عاشقانگی در آفاق حس نسل غالب امروز معنایی دیگر یافته و از سوی دیگر دسترسی این نسل به امکانات ارتباط حسی - عاطفی فردی و گروهی از نوعها و جنسهای دیگر در عصر اطلاعات و «سپهر رایانه»، و در وضعیتی که زمان به گونه فزاینده‌ای شتاب گرفته و مکان به همان نسبت اعتبار سنتی خود را از دست داده است - یا به گفته آنتونی گیدنز تناسب سنتی میان زمان و مکان دستخوش تغییر شده است - شعر غنایی در ساخت و صورت، عناصر کلامی، نقش مایه‌ها و بن مایه‌های سنتی آن دیگر پاسخگوی خواسته‌های حسی و عاطفی نسل غالب جامعه نیست، و به سفر با دل‌بازان در عصر هوایا می‌ماند. در چنین شرایطی، ایجاد امکان دسترسی جامعه به مجموعه‌هایی از گونه آنچه این گزیده ارائه می‌کند به چند دلیل ضروری می‌نماید، از جمله اینکه بخشی از جامعه همچنان از طیف

نسل غالب بیرون است و نیاز دسترسی به شعر غنائی، بویژه به صورت گزیده، در آن بخش همچنان به قوت خود باقی است. دیگر اینکه آگاهی هر نسل جامعه از تاریخ خود و از جمله تاریخ هنر و ادبیات و آشنایی نزدیک با نمونه‌های گذشته در هر حوزه و قلمرو از «آگاهی تاریخی» مهمترین ضامن مداوم فرهنگی در سیر تطور اجتماعی است. به عبارت دیگر هویت اجتماعی در هر مقطع زمانی حیات جامعه در گرو ارتباط نزدیک با حافظه جمعی آن قرار دارد. با توجه به ترتیب آشنایی نزدیک نسل امروز ایرانی با نمونه‌های گذشته شعر غنائی در محافل و عواید گزیده و فشرده - که نقش موزون هنر کلامی را ایفا می‌کند - بخش از آینه ارتباط آن با گذشته جامعه می‌تواند بود. و سرانجام اینکه این گونه آثار، دسترسی آسان به منابع گزیده و آماده برای بهره‌گیری در عرصه آموزش و پژوهش و رشته‌ها و موضوعات، و در این مورد شعر غنائی، راهوار می‌سازد.

ارتباط شعر با دنیای سه بعدی از آن دو بار، در دو لحظه و در دو نقطه صورت می‌گیرد. بار نخست در لحظه انگیزش یا تحریک حسی شاعر روی می‌دهد که بی ارتباط با عوامل عادی زندگی نیست (ولی با آن عوامل رابطه مستقیم ندارد)، و آن لحظه و نقطه آغاز فرینش شعری است. از آن لحظه و آن نقطه به بعد، انگیزه میهمان عالم شعر می‌شود و تابع بعضی تشریفات و اصول حاکم بر کائنات شعری می‌گردد.

بار دوم که ارتباط شعر با محیط اجتماعی آن صورت می‌گیرد، در لحظه و در نقطه انگیزش شنونده یا خواننده یا شنیدن یا خواندن شعر است که نیاز لحظه‌ای به تشنگی و تسلی اضطرابهای روحی حاصل از حوادث عالم بیرون پیوند دارد. باز هم از آن لحظه و آن نقطه به بعد، انگیزه میهمان عالم شعر می‌شود و تابع محض اصول و فرآیند آیینی جاری در آن، در همین «خود را به آبهای جاری شعر سپردن» است که خواننده یا شنونده برای چند لحظه از اضطرابهای روحی خود جدا می‌افتد، گویی به سفر سرزمینهای نادیده و ناشناخته رفته است؛ و زمانی که از این سیر حسی در آفاق «زیبایی»،

«عشق»، «عشق به زیبایی» و «زیبایی عشق» به روال عادی حیات باز می‌گردد، اضطرابها یا او را ترک کرده‌اند یا ترک کردنی می‌نمایند.

نور تراب فرای می‌گوید که چون نیک بنگریم، در یک چشم انداز فراگیر و کلی‌گرا، ادب دو هزار ساله غرب منظومه روایی بلند منسجم و یکپارچه‌ای است که سرایش آن همچنان ادامه دارد. اگر خواننده با این زمینه ذهنی در مجموعه حاضر بنگرد، در خواهد یافت که گزاره فرای درباره ادب هزار ساله فارسی نیز صدق می‌کند، و صد و یک شعر این مجموعه فشرده‌ای از یک منظومه بلند منسجم و یکپارچه غنایی است؛ روایت سرگذشتی که هنوز به پایان نرسیده است.

امید است که ۱۰ شم. ماندگار در برآوردن خواسته‌های خوانندگان خود چه در عرصه ادبیات (اصل آموزش) و چه در حوزه پرورش عواطف و حسیات (السان التذلل) سودمند باشد.

هوشنگ رهنما

تهران - اسفند ۱۳۸۷